

عنوان مقاله:

هویت و غیریت در زمان شکل گیری کشور ایران از منظر شاهنامه: دیدگاه انسان باورانه ایرانی در سیاست خارجی

محل انتشار:

فصلنامه روابط خارجی، دوره 2، شماره 4 (سال: 1389)

تعداد صفحات اصل مقاله: 31

نویسندگان:

فرهاد عطایی

مجید بهستانی

خلاصه مقاله:

هم اکنون، با گذار از حاکمیت روشهای کمی و اثبات گرایانه در حوزه علوم اجتماعی، و اطلاع از تاثیرگذاری جدی عامل مغفول فرهنگ در این حوزه، توجه به تعامل فرهنگ و هویت، و روابط خارجی به جدی ترین مباحث رشته روابط بین الملل تبدیل شده است. پذیرش تاثیرگذاری فرهنگ در سیاست خارجی به معنای قبول تنوعات در آن است. در این مقاله از منظری ایرانی و با روش تاریخی و دیدگاه تحلیلی به متون کهن پارسی، در اینجا مشخصا شاهنامه فردوسی، به برخی از ابعاد تاثیرگذاری این عامل بر روابط خارجی پرداخته شده است. چگونه "خود" و "دیگری" در شاهنامه بازنمایی شده اند؟ آیا تمایز آشکاری میان ایرانی و غیرایرانی در ذهنیت فردوسی وجود دارد؟ کدام دیدگاه فرهنگی می تواند با دیدگاه فردوسی مطابقت داشته باشد؟ انعکاس این نگرش در روابط خارجی چیست؟ در این مقاله ادعا شده است که فردوسی با نگاهی خاص فرهنگی به مقوله روابط خارجی می نگریست که آن را "دیدگاه انسان باورانه ایرانی در سیاست خارجی" می نامیم. دیدگاهی که ضمن تاکید بر هویت ممدوح ایرانی، اصالت را بر گسترش اخلاق و ارزشهای انسانی می گذارد و در دام تعصبات قومی نمی افتد.

کلمات کلیدی:

فردوسی، شاهنامه، هویت، سیاست خارجی، ملت باوری

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1292223>

